



۱۰

استاد غزل ایران در آی سی یو بستری شد

عکسی از مراسم یادبود سردار شهید سلیمانی
به عنوان سومین عکس خبری برتر جهان در سال گذشته معرفی شد

این غم ناتمام



۱۲



۱۱

محسن قاضی مرادی در قطعه هنرمندان آرام گرفت

فرهنگ

شنبه ۲۸ فروردین ۱۴۰۰ :: شماره ۵۹۱۵



کاغذ اخبار

نمایشگاه «اسماء الحسنی»
در سکوت خبری و موج
چهارم کرونا افتتاح شد

حروف نگاری توحید

هفدهمین نمایشگاه سالانه حروف نگاری پوستر اسماء الحسنی که قرار بود ۲۴ فروردین در خانه هنرمندان ایران افتتاح شود، به دلیل موج چهارم کرونا با یک روز تأخیر و در سکوت خبری آغاز به کار کرد. علی وزیریان، دبیر این نمایشگاه درباره ویژگی این دوره گفت: در این دوره نزدیک به ۷۰ اثر به دبیرخانه نمایشگاه ارسال و از این میان ۶۰ اثر توسط هیأت داوران برای حضور در نمایشگاه انتخاب شد. یکی از تفاوت های این دوره با ادوار قبل در این است که ما هرساله در نمایشگاه بخشی به عنوان بخش جنبی داریم و معمولاً این بخش مشخصاً اسماء الحسنی بود ولی برای مثال یک سال به آثار قدما می پرداختیم و هر سال کارهایی از این دست انجام می دادم. بر اساس روایت ها و برخی احادیث اسماء ائمه، خود اسماء الحسنی هستند به همین دلیل کارهایی که امسال در نمایشگاه حاضر هستند با اسماء حضرت فاطمه زهرا (س) طراحی و ساخته شده اند. همچنین بخش جنبی ما معمولاً بخش غیر رقابتی بود اما در این دوره بخش جنبی هم رقابتی شده است. یعنی در بخش جنبی ما آثار برگزیده ای داریم که نفرات اول و دوم و تقدیر دارد.



وی افزود: یکی دیگر از تفاوت های این دوره با دوره های قبل این است که به زعم داوران، آثار این دوره از لحاظ فنی و تکنیکی اجرایی بسیار حرفه ای تر نسبت به دوره های قبل دارند. وزیریان درباره برگزاری نمایشگاه در خانه هنرمندان ایران با توجه به همه گیری کرونا نیز گفت: ما هر سال در مراسم افتتاح نمایشگاه، مراسم اهدای جوایز داشتیم که در سالن شهنار خانه هنرمندان ایران پیش از افتتاح نمایشگاه برگزار می شد اما امسال متأسفانه به دلیل شیوع کرونا این مراسم در افتتاحیه برگزار نشد. البته اگر شرایط در هفته های آینده بهتر شود، ممکن است در پایان نمایشگاه مراسم اختتامیه برای اهدای جوایز به برگزیدگان این دوره برگزار شود. اگر شرایط مساعد نبود هم مانند سال گذشته برگزیدگان این دوره را فقط اعلام و جوایز را برای آنها ارسال می کنیم.

علی وزیریان در بخش پایانی صحبت های خود گفت: امسال هم مانند سال گذشته آثار حاضر در نمایشگاه به تدریج در صفحه اینستاگرام اسماء الحسنی به نمایش درخواهد آمد و مخاطبان می توانند در بخش انتخاب بهترین اثر از دید مخاطبان در این دوره شرکت کنند. در هفدهمین دوره نمایشگاه سالانه اسماء الحسنی، بخش جنبی با عنوان طراحی پوستر با نام مبارک و اسماء منتخب حضرت فاطمه (س) اختصاص داشت که فراخوان آن دی ماه ۹۹ منتشر شد. جایزه این بخش ۱۸ میلیون تومان در نظر گرفته شده است.

همراهی

مدس میکلسن با «ایندیانا جونز ۵»

به نقل از ورایتی، مدس میکلسن بازیگر دانمارکی در برابر هریسون فورد و فیبی والر بریج در ادامه فیلم های ماجراجویی ایندیانا جونز بازی می کند. وی که بازیگر فیلم هایی چون «شکار» و «یک دور دیگر» است، جدیدترین بازیگری است که به ایندیانا جونز پیوسته است. جیمز منگولد مسؤولیت ساخت این فیلم را از استیون اسپیلبرگ که کارگردانی چهار قسمت قبلی را به عهده داشت، دریافت کرده است اما اسپیلبرگ هنوز در این پروژه حضور دارد و در نقش تهیه کننده با کتلین کندی مدیر لوکاس فیلم، فرانک مارشال و سایمون امانوئل همکاری می کند.

هریسون فورد ۷۸ ساله نقش نمادین خود را به عنوان یک باستان شناس ماجراجو در این فیلم بار دیگر تکرار می کند و از آنجا که جزئیات فیلمنامه روشن نشده، معلوم نیست میکلسن در این فیلم چه نقشی خواهد داشت. هفته پیش اعلام شده بود فیبی والر بریج از بازیگران این فیلم خواهد بود.



ساخت ایندیانا جونز چند بار طی چند سال اخیر به تأخیر افتاد و در نهایت قرار شده تا ۲۹ جولای ۲۰۲۲ و بیش از چهار دهه پس از اکران فیلم اول آن با عنوان «مهاجمان صندوق گمشده» در سال ۱۹۸۱ راهی سینماها شود. این مجموعه چهارگانه تاکنون نزدیک به دو میلیارد دلار در سراسر دنیا فروش داشته است. جدیدترین فیلم آن یعنی «ایندیانا جونز و پادشاهی مجموعه بلورین» که سال ۲۰۰۸ اکران شد با ۲۹۰ میلیون دلار در سراسر جهان پرفروش ترین فیلم از این چهارگانه بود.

میکلسن نیز با بازی در چندگانه های هالیوود بیگانه نیست و در «کازینو رویال» از مجموعه جیمز باند و «باغی یک» از چندگانه جنگ ستارگان و نیز «دکتر استرنج» از مارول همراه بوده است. وی به تازگی جایگزین جانی دپ در قسمت سوم «جانوران شگفت انگیز ۳» شد. فیلم جدید وی «دور دیگر» نامزدی دو اسکار را کسب کرده است.

مدس میکلسن، سرشناس ترین بازیگر کشور دانمارک است که برای بازی در فیلم کازینو رویال به شهرت جهانی دست پیدا کرد. او طی بیش از دو دهه فعالیت در سینما، اقتضات زیادی کسب کرده است. علاقه او به سینما و بازیگری سبب شد مدس پس از یک دهه رقص حرفه ای، مسیر خود را به سینما تغییر دهد. اولین تجربه میکلسن در اجرا به فیلم کوتاه Blomsterfangen محصول سال ۱۹۹۶ مربوط می شود. او در ادامه همان سال با بازی در فیلم جنایی Pusher به شهرت زیادی در کشور دانمارک رسید.

قابی که قصه می گوید

اول

هوایما داشت در مسیر فلوریدا حرکت می کرد که ناگهان خلبان از مسافران دعوت کرد از دریچه های سمت راست، آخرین پرواز «اندیور» پیر را نگاه کنند، همان شاتل فضایی پیر که می خواست برای آخرین بار به مدار زمین برود و



مرتضی درخشان

روزنامه نگار

بعد بازنشسته شود.

از میان تمام مسافران پرواز فلوریدا در سال ۲۰۱۱ استفانی گوردون، دختری که در صفحات مجازی خود را علاقه مند به ورزش معرفی کرده بود آن قاب جادویی معروف را بیست و با تلفن همراهش یک عکس به یادماندنی گرفت. عکسی که این دختر در لحظه ثبت گرفت فقط ۱۸۰۰ دنبال کننده داشت ناگهان تبدیل به یکی از سؤزه های داغ روز شد و به تیتراژ اخبار رفت؛ عکسی که از قضا به علت خط و خشی که همه روی پنجره های هواپیما دیده ایم چندان هم واضح و روشن نیست.

دوم

اگر شما یک فوتبالیست باشید و ناگهان در یک کمپ ورزشی یکی از بهترین بازیکنان لیگ برتر انگلستان را ببینید چه کار می کنید؟ خب من هم یک عکاس بودم و یکی از بهترین عکاس های دوران خودم را در آن تور عکاسی دیده بودم.

مثل همه یک کلاه حصیری لبه کوتاه به سر داشت با یک شلوارک تا سر زانو و پیراهن مردانه معمولی با دکمه های باز! جلو رفتم و خودم را معرفی کردم که یک عکاس ایرانی هستم و او از این که یک نفر در این جمعیت او را می شناسد خیلی خوشحال شد.

سلام کردم و از او اجازه گرفتم و چند عکس به او نشان دادم، عکس ها را دید و به رسم ادب همه را تایید می کرد تا این که در میان عکس ها، یکی چشمش را گرفت، خوشش آمد و از من پرسید این عکس را چطور گرفتی؟! خوشحال شدم و توضیح دادم سرعت شاتر چنین و ایزو چنان و فوکوس به این صورت و خلاصه تمام جزئیات را شرح دادم، با تعجب به من نگاه کرد و گفت یک کارمند فلان شرکت سازنده دوربین می تواند تمام اجزای دوربین را تا کوچک ترین پیچ باز و بسته کند اما نمی تواند یک عکس درست بگیرد، عکاسی هنر است ولی بیش از آن که هنر خوب گرفتن عکس باشد، هنر خوب دیدن سوزنه است. عکاس خوب، فریم اول را با چشم می گیرد، لذت می برد و بعد دوربین را بالا می آورد.

سوم

تک تیراندازهای داعشی رحم ندارند. اگر روی یک نفر

کلید کنند خیلی مهم نیست چه اتفاقی می افتد، این قدر می ایستند تا بزنند. من با صدای شلیک اول هیکل گنده ام را کشیدم و پشت نخلی پناه گرفتم، نخلی که معلوم بود در نهایت با سه گلوله دیگر چیزی از قامت نحیفش باقی نمی ماند و من مثل یک سوزنه طراحی که بی حرکت مقابل یک نقاش می نشیند تبدیل به هدف بی پناهی می شدم که از پشت سرم دقیق ترین تیراندازهای دنیا شلیک می کنند. اولین کاری که کردم این بود که دوربین فیلمبرداری را روشن کنم و روبه روی خودم روی زمین بگذارم. نمی دانستم قرار است چه تصویری بگیرد، حتی یقین نداشتم می توانم تصاویر ضبط شده را ببینم اما مطمئن بودم دوربینی که یک عمر با من در جنگ های مختلف بوده به من خیانت نمی کند، من آن روز فهمیدم چقدر این طرف

آن قصه دوست داشتنی

یک مستند خوب از تلوزیون بخش شد، مستندی که ماجرای دیدار رهبر معظم انقلاب با خانواده شهدای مدافع حرم بود. می توانیم با کلی دلیل فنی از قاب، رنگ و صدا گرفته تا تدوین و موسیقی و نور این کار را نقد کنیم اما به هیچ عنوان نمی توانیم از کنار تصاویری که در قاب جعبه جادویی به نمایش درآمد، عبور کنیم. چون می شویم آن عکاس آماتوری که در قاب تصاویر خودش را می بیند، دنبال این است که خودش را جلوتر از سوزنه قرار دهد، حال آن که همه به تماشای آن سوی دوربین آمده اند.

در این دست مستندها که دیدن آن را حتی برای یک بار به همه توصیه می کنیم، پرده دیگری از زندگی مقام معظم رهبری به نمایش درمی آید؛ پرده ای که اغلب آنها که از نزدیک با ایشان مراوده داشتند از آن صحبت می کردند اما برای ما که از این قاب ها دور هستیم چندان قابل درک نبود. مستند لشکر زینبیون یک برش کوتاه از یک روایت بلند بود، روایت بلندی که به نظر می رسد دفتر مقام معظم رهبری را مستند

غیر رسمی، ضمیمه روایت رهبری در همین روزنامه و مستندی که پخش شد سعی در پرده برداری از آن دارد. اتفاقی که حتی می توانست پیش از این افتاده باشد. لشکر زینبیون را دیدیم و از آن لذت بردیم، از قاب هایی که برای روایت به دنیا آمده بودند. این فریم هایی که هر کدام از مقابل چشمان شما عبور کرد قصه آدم هاست، قصه هایی که اگر تعریف و دیده نشوند شاید نسل های بعدی نتوانند ببینند دنیایی که دوستش دارند چقدر ساده بوده و هست.

خانه پدر بزرگ



علیرضا رافتی

روزنامه نگار

می گفت توی یک تاکسی نشسته بودم که در ایران اگر می خواستم چند مدل پایین ترش را بخرم، باید خانه خودم و پدرم را می فروختم! این را دوستی می گفت که خودش در ایران صاحب شرکت است و برای یک مذاکره تجاری به کشور عمان رفته بود. از فرودگاه مسقط سوار آن تاکسی که ذکرش را با آب و تاب برایم تعریف می کرد، شده بود و برای این که هم سری از کار راننده تاکسی دربیاورد و هم کمی علاقه دیوانه وارش به ماشین را ارضا کند، با راننده گرم گرفته بود. می گفت عجیب ترین چیزی که در صحبت های راننده به گوشم می خورد، تعاریف ماورائی و الهی اش از سلطان قابوس بود. بدون شک سلطان قابوسی که توانسته بود مردم کشورش را به چنین رفاه اقتصادی و اجتماعی برساند، گرچه با وجود جمعیت کم و منابع زیاد عمان کار سختی نیست، برای مردم قابل ستایش بود. اما حرف های راننده دیگر عجیب بود، مثلاً با حالتی پرستش وار می گفت: «این دانشگاه را می بینی؟ این را سلطان قابوس با پول خودش برای مان ساخته است!» گفتم: «پول خودش یعنی چه؟ مگر طبق اساس حکومت شما، همه ذخایر و منابع کشور تحت اختیار سلطان نیست؟! دیگر پول خودش چه معنایی دارد؟! راننده کمی به فکر فرو رفت و بعد طوری که بخواهد از فکر گناه توبه کند، باز شروع کرد به تعاریف ماورائی از سلطان شان. این روایت را گذاشتم کنار چیزهایی که از کره شمالی می دانستم. چیزهایی که یا در کتاب های فراری های کره شمالی خوانده بودم یا در مستندهای غربی دیده بودم یا اصلاً همین نویسنده هموطن در کتاب سفرنامه اش به کره شمالی نوشته بود! مردم کره شمالی نیز نگاهی الهی و قدسی به رهبرشان دارند و برای او توانایی های خاص فرانسسانی متصورند؛ مردم شرقی خدا ناپاوری که مجسمه رهبر کبیرشان در خیابان را مانند بت پرستش می کنند. تاحدی که رضا امیرخانی جایی در سفرنامه اش، وقتی کاملاً از این رفتار پرستش وار کلافه شده، می گوید همین که این مردم قبول کرده اند رهبرشان هم روزی کودک بوده و بعد کم کم بزرگ شده، خودش دستاورد بزرگی است!

گزارش دیدارهای رهبر انقلاب اسلامی ایران با خانواده های شهدای مدافع حرم را که تحت عنوان «مستند لشکر زینبی» دیدم، به این فکر می کردم که اصلاً باید کلمه ای به جز «رهبر» در فرهنگ نامه های دنیا ابداع شود که ما برای خطاب قرار دادن رهبر انقلاب از آن استفاده کنیم. چرا که این کلمه «رهبر» یا هر مترادف دیگری که در فرهنگ نامه های دنیا دارد، به قدری توسط کشورهای دیکتاتوری و ملت های متوهم دستمالی شده که دیگر آن معنی ای که ما می بینیم را ندارد. رهبر انقلاب ما با پدران پسر از دست داده و زنانی که شوهران شان در راه دفاع از حرم حضرت زینب (س) شهید شده اند، دیدار می کنند. آن هم دیداری که تفاوت های مهمی با دیگر دیدارها دارد. مهم ترینش این که جواین دیدار اصلاً رسمی نیست و بچه هایی که وسط مجلس بازی می کنند، به خیال درست شان آمده اند خانه پدر بزرگ عید دیدنی! از طرف دیگر، این دیدارها برخی شان مربوط می شوند به سال هایی که هنوز تب تجلیل از مدافعان حرم در ایران داغ نشده بود و نمی دانم اصلاً هنوز این کلمه «مدافعان حرم» برای رزمندگان سوریه ابداع شده بود یا نه. در آن دوره غفلت مجامع فرهنگی و مذهبی، رهبر انقلاب خانواده های این شهدا را پدرانۀ دور خودشان جمع کرده و فرزندان شان را در آغوش می گرفتند. گزارش این دیدارها برای بازتعریف کلمه «رهبر» باید در آرشيو دنیا بماند.

